

## نسبت توسعه با مفهوم سرزمینی

سرزمین، قلمرو جغرافیایی یک قوم با سابقه تاریخی است. یک کل مادی-معنوی است. در ذات خود محدوده‌ای دارد و ساکنینی که فراتر از آن محدوده و برای غیر ساکنان آن جا، معنا ندارد. برخلاف آن، مفهوم زمین است که به ماده نامحدود کره خاکی اطلاق می‌شود. هر جا، زمین است اما سرزمین حتما محتاج ساکنان و تاریخ است تا پدید آید. محدوده سرزمینی، قلمرو ساکنان آن است و درک ساکنان از قلمرو است که به واسطه خاطرات و تجربه زیسته آنان، مفهوم سرزمین را می‌سازد. در نتیجه سرزمین پدیده‌ای همزمان مادی-غیرمادی است. از آن سنخ موجوداتی که در فاصله میان عالم ماده و معنا شکل می‌گیرد و به تناسب مرتبه وجودی که از این حیث به دست می‌آورد، نقش ارزنده‌تری در زندگی انسان و جامعه ایفا می‌کند. سرزمین به دلیل دوگانه بودن ماهیت آن که عینی-ذهنی است، قابلیت بیشتری برای تعامل با انسان در فرایند رشد او پیدا می‌کند. در آن حال که امر عینی و مادی است، همزمان با جسم انسان به نیازهای زندگی مادی او پاسخ می‌دهد و در همان حال، به واسطه وجه غیرمادی و مجردی که دارد، می‌تواند ارتباط بی‌واسطه با روح انسانی برقرار سازد. از این روست که مکان، نه فقط ظرف ظهور معنا، که خود معنا قلمداد می‌شود. افتراق و دوگانگی میان ظرف و مظهر در مقوله مکان قابل تشخیص نیست. لذا مکان در میان نیازهای انسان در جایگاه پر اهمیت و همتراز نیازهای اولیه او جای می‌گیرد. در عین حال به دلیل وجه معنایی آن، در امتداد نیازهای عالی انسانی که نیازهای فرهنگی هستند نیز پیش می‌رود. در عمل برخلاف غالب نیازهای شناخته شده انسان که در یکی از دو طبقه نیازهای جسمی (عینی) و روحی (ذهنی) قرار می‌گیرند، مکان به دلیل ماهیت دوگانه آن، در اقلامی مانند سرزمین، در طبقات مختلف نیازهای انسان جای می‌گیرد. لهذا در مرحله برنامه‌ریزی همزمان با نخستین ضرورت‌ها که نیاز ایمنی است آغاز می‌شود و تا آخرین مطالبات انسانی که حس زیبایی و فهمیده شدن انسان است ادامه می‌یابد. ادبیات توسعه آنچنان که عرف است، مبتنی بر شاخص‌های اقتصادی شکل گرفت. واضعان اندیشه توسعه، نخست آن را در رونق اقتصادی و تأمین زنجیره نیازهای جسمی انسان قرار دارند. تأمین غذا و سپس سایر نیازهای رفاهی انسان در دستور قرار گرفت. در گام بعد، نیازهای اجتماعی انسان نیز معیار توسعه شد. فرصت‌های برابر، عدالت اجتماعی و شاخص‌های مؤید آن‌ها وارد ادبیات توسعه شد. یک مرحله پیشرفته‌تر، حفاظت طبیعت و زمین در معرض توجه توسعه قرار گرفت. در این مرحله پایداری، از جهت حفظ و انتقال موراثت طبیعت به نسل‌های بعد، مهمترین صفت توسعه نامیده شد. رویکردهای مکمل این مسیر از جمله تاب‌آوری، خوانش‌های جدیدتری بود که مفهوم توسعه را کامل‌تر کرد. بررسی روند تحولات مفهوم توسعه از آغاز تا امروز نشان می‌دهد اگرچه در هر مرحله تعریف و معنای توسعه عمق بیشتری نسبت به قبل پیدا کرده، اما منحنی تحولات پیوسته در سویه دنیای عینی قرار داشته است. وجه مشترک نیازهای جسمی، اجتماعی، حفاظت محیط و تاب‌آوری عینی بودن آن‌هاست. تا اینجا متعلق توسعه پایدار، عنصری عینی از قبیل عدالت اقتصادی، برابری اجتماعی، اکوسیستم و برنامه‌ریزی بوده است. طبعاً به دلیل ماهیت علوم مداخله‌کننده در تبیین مفهوم توسعه، که علوم تجربی و عینی است، معیارها، شاخص‌ها و روش‌های به کار گرفته شده نیز عینی باقی می‌مانند.

ارزیابی تجربه رویکرد محض عینی به توسعه از عدم موفقیت برنامه‌های آن در تأمین رضایت انسان و جامعه حکایت می‌کند. بارزترین نمونه آن برنامه‌های توسعه شهری و روستایی است که اگرچه در ارتقای برخی شاخص‌های عینی موفق بوده‌اند، اما در تأمین رضایت ساکنان توفیق چندانی نداشته‌اند. تحقیقات زیادی بر اهمیت وجه ذهنی در حس مطلوبیت و رضایت انسان تأکید دارد. به موازات این نیاز، رشد معارفی که به پدیده‌های دوقطبی عینی-ذهنی می‌پردازد نیز در ادبیات توسعه تأثیرگذار است. تغییر در فهم مقوله‌های مهم زندگی انسان نمی‌تواند بی‌توجه به دگرگونی مفاهیم توسعه باشد. مکان و منظر از مهمترین دستاوردهای فهم جدید انسان در ایجاد تغییر بنیادی در دوگانه عینی و ذهنی دکارت و دنیای مدرن است. انسان اینک فهمیده است که مفاهیم میانی و مشترک میان دو قطب عینی و ذهنی نیز وجود دارد که اساساً از مهمترین و تأثیرگذارترین مقولات در تعریف زندگی و رضایت انسان است. لهذا در رویکردهای جدید به توسعه لازم است با توجه به تعریف‌های نو از موضوعات توسعه، از جمله سرزمین، دگرگونی‌های اساسی در واژه‌ها، مفاهیم و مصداق‌های برنامه‌ریزی به‌وجود آورد. به کاربردن واژه‌های اعتباری مانند منطقه، در برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید جای خود را به مفاهیم حقیقی از جمله سرزمین، شهر و محله بدهد. در این خوانش از توسعه که مفهوم واقعی سرزمین شناخته شده و ارزش‌های آن رسمیت یابد، دیگر خوزستان عزیز در برابر هجوم توسعه‌گران انگلیسی و سپس تکنوکرات‌های ایرانی نفتی شاهد از دست رفتن مزیت‌های تاریخی-جغرافیایی سرزمین خود نخواهد بود. آنچنان که امروز خوزستان ثروتمند در اثر برنامه‌های نادرست توسعه نفت‌مبنا با از دست دادن بسیاری منظرهای سرزمینی خود در رده پایین‌ترین نواحی ایران از حیث توسعه درآمد و شاهد گسترده‌ترین مهاجرت‌ها به خارج از این خطه زرخیز هستیم. بی‌شک نادانی در قبال ارزش‌های مکانی و منظر سرزمین خوزستان در روند توسعه نفت‌مبنا در یک قرن گذشته مهمترین نقش را در افول رضایت‌مندی فرزندان آن خاک داشته است.

سیدامیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۲). نسبت توسعه با مفهوم سرزمینی. منظر، ۱۵(۶۴)، ۳.

DOI: 10.22034/manzar.2023.180070

URL: [https://www.manzar-sj.com/article\\_180070.html](https://www.manzar-sj.com/article_180070.html)

